پيام آيت الله العظمي فاضل لنكراني به مناسبت «نيمه شعبان‏» سال 1423

 بسم الله الرحمن الرحيم‏

 بعد الحمد و الصلاة؛ نيمه‏ي شعبان، روز ولادت نور و روزي كه آخرين حجّت خدا و برهان تامّ الهي، پا به عرصه‏ي وجود گذاشت، روزي كه نويد گسترش عدل در دنياي پهناور وجود سرداده شد، روزي كه خداوند متعال، نعمت بزرگ خويش و آخرين ذخيره‏ي خود را بر مردم ارزاني داشت.

 بشر، با اين‏كه سير تكاملي‏اش در علوم و فنون، بي وقفه، رو به تزايد است و با اين‏كه در قلمرو علمي، به زمين اكتفا نمي‏كند و به كرات ديگر دست اندازي نموده و منظومه‏ي شمسي را تا حدّي، تسخير خود ساخته و در اين راه، موفّقيّت‏هاي شگرفي كسب نموده، اما مع الاسف در رسيدن به مقام شامخ انساني، به موازات ترقيات مذكور، گرايش به انحطاط و پستي پيدا نموده، هر چه قدرت بشري، در پرتو اكتشافات علمي، افزون گشته، ظلم و تعدّي و دوري از منطق عقل، بيشتر شده است.

 امروز ملّت‏هاي عالم مي‏بينند كه ظلم و استكبار، داعيه‏ي قدرت منحصره‏ي جهاني را دارد و به بهانه‏ي مبارزه با تروريزم، كثيف‏ترين جنايات را انجام و بي منطق‏ترين تهديدات را صريحاً و به‏طور آشكار، اعلام مي‏نمايد. اين‏جاست كه نياز به يك مصلح جهاني الهي كه مأموريّت ويژه‏ي او، ايجاد حكومت جهاني اسلامي است، احساس مي‏شود.

 بشر، با اَعمال و رفتار خود، ثابت نموده كه با وجود تكامل روزافزون علمي، عاجز است از اين‏كه عدل كامل را مستقر سازد. سازمان‏هاي مدافع حقوق بشر، از مقابله با زورگويان، عاجز، و در حقيقت، مأمور خود آن‏ها هستند. آيا مي‏شود در چنين شرايطي، بشر، براي هميشه، بسوزد و بسازد؟ آيا خداوند منّان، راهي را براي نجات او قرار نداده است؟ يا نعوذبالله قادر بر آن نيست؟ كلّا و حاشا! اين امر، با هدف از خلقت ناسازگار است. و وعده‏هاي قرآن كريم كه دين اسلام بر همه‏ي اديان غلبه پيدا خواهد نمود، دال بر خلاف آن است. حكمت بالغه‏ي الهي، اقتضا مي‏كند، شخصي كه به عظمت همه‏ي انسان‏ها و عالم وجود است، عهده‏دار حكومت مطلقه شود تا در پرتو وجود نوراني او، نه تنها ظلم و ستم برچيده شود، بلكه احكام نوراني اسلام، به دست او، به نحو كامل، جامه‏ي عمل بپوشد.

امروزه، همه‏ي شيعيان و مسلمانان، به عشق تحقّق حكومت جهاني حضرت مهدي، عجل الله تعالي فرجه الشريف، زندگي مي‏كنند، خوش‏بختانه، در سال‏هاي اخير، در ميان مسلمانان، توجّهات خاصّي نسبت به وجود مقدّس امام زمان‏7 پيدا شده است و گروه‏هاي مختلفي درصدد تبيين ابعاد قبل از ظهور و بعد از ظهور، و نشان دادن خصوصيّات آن ((حكومت نور)) هستند و اين‏جانب، به سهم خود، از همه‏ي آنان تشكّر مي‏كنم و تأكيد دارم تا در گفته‏ها و مقالات و نمايش‏ها، بسيار دقيق و برطبق مدارك معتبر عمل نمايند.

 بحمدالله، ما داراي منابع بسيار غني و محكمي در اين زمينه هستيم كه جاي هيچ ترديدي باقي نمي‏گذارد. ما ادّله و مستندات بسيار محكم و فراواني در تمام زمينه‏هاي وجودي آن حضرت، از تولّد تا حكومت و بعد از حكومت داريم كه قلوب پاك و نيّت‏هاي خالص مي‏توانند به آن دست‏رسي يابند.

 به همه‏ي مسؤولين و مردم عزيز و متديّن، عرض مي‏نمايم كه روحيّه‏ي توجّه به آن حضرت را، هميشه، در جامعه، زنده نگهدارند و زندگي مردم را مشحون با مهدويت و عشق به آن حضرت - كه عشق به حكومت عدل جهاني است - بسازند كه حيات اجتماعي و ديني و سياسي ما، در گرو اين امر است.

امروزه، وظيفه همه‏ي ما، آن است كه اذعان نماييم تمامي نعمت‏هاي ظاهري و باطني الهي، به واسطه‏ي آن وجود مقدّس است: ((و لو لا الحجة لساخت الارض بأهلها)) پس در حقيقت، ولي نعمت واقعي همه، او است و شكرانه‏ي اين نعمت بزرگ، آن است كه در تمامي امور جزئي و كلّي، ياد و خاطره‏ي ايشان را در داخل و خارج، زنده نگه داريم. از اين رو، پيشنهاد مي‏شود؛ مسؤولين محترم، در تدارك تشكيل ((همايش جهاني و بين‏المللي در رابطه با مصلح كل)) باشند كه اين امر، در معرّفي هر چه بيش‏تر ويژگي‏ها و حكومت آن حضرت، مؤثر خواهد بود.

 از خداوند بزرگ، مسئلت مي‏نمايم كه موانع ظهور موفورالسرورش را برطرف فرمايد و عموم جهانيان، خصوصاً شيعيان را از عربده‏هاي استكبار، نجات داده و بساط ظلم و تعدّي را برچيند و ما را شاهد روزي قرار دهد كه عدالت مطلقه، در مجموعه‏ي هستي، حاكم و سايه گستر باشد ((أيْنَ المُعَدُّ لِقَطْعِ دابِرِ الظَلَمة)) و دين حقيقي، شعاع خويش را بر همگان بتاباند. إن‏شاءالله تعالي‏

 محمّد فاضل لنكراني‏

 1381/7/29 - 14 شعبان المعظَّم 1423